

سخنی چند و پیشنهاد گونه با هم نظران و هم سفران !
به بهانه "اشک حسرت"، "سرشک ندامت"، یا بازتابی از گنجور معرفت،
تقوا، پایداری و عصیان خردگرایانه فرزانه فرزند پامیر زمین، سیدزمان الدین "
عدیم" !!



نگارنده : پیکار

۱۹ حوت ۱۳۹۰

ای پیک پی خجسته رسان این سلام ما
با دوستان ز بعد سلام این پیام ما
آسایش خلاق و آبادی وطن
باشد تمام عمر مراد و مرام ما
نان حلال از خورم از سهم دیگران
گردد مثال خون برادر حرام ما
هان ای پسر بکوش و تجدد پسند باش
پیش آنکه تا فراخ شود یک دو گام ما
گوید بجای قطره خون سرم "عدیم"
شعری چکد ز لحم و عروق و عظام ما

در هر زمانی و در هر مکانی که "عدیم"، نه تنها من حیث نماد بازتاب واقعیت
های عینی جامعه، بلکه به حیث داعی و مشنری باورهای ماندگار عقیدتی در
میان سایرین حضور جسمانی و عرفانی پیدا میکرد، و با هر شخصیت ادبی،

فرهنگی و سیاسی ای که در گفتمان، مباحثه و مکالمه قرار می گرفت، جانب مقابل را با سحر شعری، و جذابیت کلامی اش مجذوب و مدیون خود می ساخت که نمونه آن را در ابراز نظر نیک یکی از شخصیت های سیاسی کشور، این گونه به خوانش می نشینیم:

" زیاده از پانزده سال میشود که سراینده این اشعار را می شناسم. شاهد تکفیر، حبس و تبعید آن از سوی ستمگران طبقاتی، ملی و مذهبی بوده ام، که در همه این گیر و دار های زمانی، مانند پیشوای خویش آواره یمگان (سید شاه ناصر خسرو)، صبور، شکیب، متحمل، بردبار و پیگیر بود. همیشه به استعداد طبیعی، ذکاوت و حافظه فوق العاده و قریحه شاعرانگی این زاده کوهسار منزوی شغنان و فرزند برومند سرزمین پامیر، حسرت خورده ام که دریغاً محیط اجتماعی ای نداشت که در آن رشد میکرد، ورنه یک شاعر ملی می شد. اگر از اشعار فرمایشی او که همواره به سرودن آنها مجبور شده است بگذریم، پارچه های حاوی سرگذشت سال های اخیر او از روی شکل و مضمون شعر است و آئینه بازتاب محیط تنگ و محدود طبقاتی او که زیر ستم طبقاتی، ملی و مذهبی می سوزد، می باشد. گذشته از این ها، شاعر میهن پرست، وطن دوست و در مکنونات قلبی او شعله های میهن پرستی خیلی ها بالا و بالاست و وطن اش را با خلق محروم آن سخت دوست دارد." (محمد طاهر بدخشی، 27 اپریل 1969م)

"گویندگان"، و "جویندگان" " عدیم" و وارثین عرفانی او !
هیچ تردیدی وجود ندارد که همگان باگل واژه های "گوینده"، و جوینده"، از ژرفای فکری شان آگاه هستند و هر یکی بر مبنای ظرفیت داشته های ذهنی و بینش معنوی و فرهنگی شان در تعبیر و تفسیر آنها مطابق نیازمندی های زمانی و زبانی گام های متین و استوار را بر میدارند. همه انسان ها در فراز و فرود تاریخ پر بار کشور مان، به ویژه سرزمین زیبای بدخشان به شمول کوه پایه های پامیر، من حیث گویندگان و جویندگان تاریخ، فرهنگ، سیاست، عرفان، ادبیات، عقیده و باور،

شخصیت های ماندگار، پیشوایان عقیدتی، و سایر مسایل و رسایل پا به میدان هستی و کار کرد ها گذاشته اند.

گوینده آنهایی هستند و یا هم به آنهایی گفته میشود که در رسانه ها، وسایل اطلاعات جمعی، یا در فرآیند آفرینش تصویری و صوتی، گفتاری، شخصیتی را به تصویر می کشند، به سایرین معرفی می کنند، در مورد آنها سخن میرانند و صحبت می کنند و وظیفه تکنیکی و نمادین خود را به منظور بازتاب مسایل دست داشته به بازی میگیرند، و به ژرفای موضوع، کاوش سیاق و محتوای آن کاری ندارند، و سطحی نگرانند.

جوینده گان، آنهایی هستند که زندگی شان را در جستجو سپری نموده و هموار در جستجوی واقعیت ها، عینیت ها، حقیقت ها، و معرفت ها هستند. آنها همواره روی سیاق و محتوای پدیده ها و عناصر مرکبه و مؤلفه های هر چیز توجه ژرفی را مبذول می داشته باشند و فکر و بینش شان را بکار می برند. جوینده ها کسانی هستند که در فرآیند کاری در قدم نخست فکر شان بکار می افتد و بعد با زبان آن را بازتاب میدهند، و بر خلاف آنهایی هستند که اول زبان شان بیرون می شود و از بینش فکری و عقلانی کمتر حمایت می کنند و هدف مشخصی در ابراز نظر ها و اهداف در نزد خود ندارند و فقط میل دارند که سر شان ساکت و زبان شان متحرک باشد. آنها از شیرازه سخن و کلام نغز و خوب در مورد هر کسی و هر چیزی، نه بهره میگیرند و نه هم ارزشی به آن قایل هستند. آنگونه که فردوسی فرموده است:

ز گیتی دو چیز است جاوید و بس

دگر هر چه باشد نه ماند به کس

سخن نغز و کردار نیک

بماند چنان تا جهان است یک

ز خورشید و از آب و از باد و خاک

نگردد تباه نام و گفتار پاک (فردوسی)

در این مختصر نیت ندارم، نگارش پژوهشی ای را حضور دوستان، اندیشمندان، خامه فرسایان، شعرا، ادبا و گویندگان و جویندگان "عدیم"، و سایرین ای که بعد از گذشت چند سال مانند عدیم در میان نسل آزمون حضور جسمانی نخواهند داشت و امروز دارند حیات پر بار شان را با در نظرداشت ظرفیت های فکری و زمانی، در خدمت هم میهنان شان قرار دارند و لی آنگونه که لازم است بر بنیاد سنت منفی دیرینه طوری که عدیم در آن زمان مورد تقدیر و تکریم قرار نمیگرفت، و لی امروز همه ما، با امکانات دست داشته در جستجوی اشک حسرت، سرشک ندامت و "قهرمان دانش"، آن سرباز عقیده و ایمان هستیم، بر همه مان لازم است موازنه فکری و فرهنگی خویش را در راستای آفرینش همایش اخلاقی و اجتماعی معقول و ارزنده به منظور بازتاب داشته های معنوی گذشته و رشد و انکشاف برداشت های امروز، و برنامه ریزی برای آینده های روشن و بدور از تعصب و جزمگرایی های نابکار و بدرد نخور، را برقرار سازیم.

با آنکه از نگارش این گونه مسایل هراس دارم، هراس نه از آنکه جبون باشم، و یا در خط و سیر محافظه کاران قرار گرفته ام، و یا بخاطر ابقای چند روز زندگی ام به کتمان کاری پرداخته باشم، و یا هم دوستی از من خواهد رنجید، بلکه هراس از آنکه، دیده به جهان کشیدن سیمای شغنان که باری همه ما را در راستای همدیگر فهمی دعوت نمود، و به نگارش و ابراز نظر ها در موارد مختلف به ویژه تدوین و ترتیب مجدد و بازنگری سالم روی طرح و دیزاین مشترک و قابل پذیرش رسم الخط زبان و ادبیات شغنانی برای همه آنهایی که به آموزش آن داخل میدان عملی خواهند

شد، بر بنیاد بینش اغمازگرایانه برخی ها، به ناکامی و شکست زمانی روبرو شدیم، باز هم می هراسم.

شالوده هراس دوم در حال بروز مرا، زمزمه های فرآیند انسجام و اتحاد میان شغنائی های ساکن در شغنان و برون مرزی را که برای مدت چند یومی سخت در همه همه و گرمابه فعالیت ها قرار داشت و بدون تردید که قابل قدر هم بود، و لی امروز تا حدی از آن صدا و نوایی کمتر به گوش شنوا می رسد، تشکیل دهنده است. از این سبب هنوز هم در جستجو، تفکیک و تشخیص دسته های گویندگان و جویندگان انسجام و اتحاد و همدیگر فهمی شغنان و شغنائیان هستیم.

اکنون بر میگردد به بازتاب اصل مطلب که بنیاد هراس سومی ام را تشکیل می دهد، و شاید باز هم به جایی نرسد، در مورد آغاز کار مجدد روی آفرینش و به طبع رساندن دوباره دو اثر یاد شده سید زمان الدین " **عدیم** "، خواهد بود. کار کرد ها، نگارش ها، ابراز نظر ها و علاقه مندی ها به میراث فرهنگی و سروده های " **عدیم** "، که در این روز ها با کمال مسرت بر گه ها و ابواب سیمای شغنان را، مزین ساخته است، باز آغاز یافته است. باید اظهار نمود که، کار کرد های دکتر خوش نظر پامیرزاد، در راستای آرایش صفحه، فشرده زندگی و پیشگفتار اثر **عدیم** " **اشک حسرت** "، جلد اول و دوم، گردآوری ها و فرآیند حروف چینی سید محمد قاسم بدخشانی، در تدوین اثر یاد شده، و سایر دوستان و عزیزانی ای که بر مبنای عشق و علاقه وافر به شخصیت قابل قدر " **عدیم** "، در امر نشر اشک حسرت، از خود تبارز داده بودند در زمان خود و همین اکنون نیز قابل قدر، ستایش، تقدیر و تکریم بود و هست. و این یک واقعیت مسلم است که هر کاری در هر زمانی که صورت میگیرد، دارای خوبی ها، کاستی ها و نارسایی ها می باشد، اما هر نارسایی و کاستی را باید با بصیرت پذیرفت و در امر مرفوع سازی آن اقدام مجدد نمود تا

موادی را که به بازار عرفان و ادب تقدیم کنیم، تا حدی دارای کمترین کاستی ها باشد، و دارای زمینه های بازار یابی عینی و ادبی نیز.

کار کرد های مسلکی پژوهشگر با حوصله و متین، علی شاه " صبار"، در راستای تدوین و ترتیب تاریخ زندگی سید زمان الدین عدیم، " سرشک ندامت"، و نگارش مقدمه اثر یاد شده، و زحمت کشی های مجدد سید محمد قاسم بدخشانی، در امر گرد آوری اشعار، سروده ها، اصلاحات برخی از برگه ها، آرایش و پیرایش متون شعری، نیز واجد تقدیر، تحسین و تمجید است.

عشق و علاقه فراوان عبد الکریم " برزنگی"، به عدیم و آفریده های ادبی و شخصیت علمی و فرهنگی اش، که در اثر " جیهون قهرمان دانش " بازتاب گردیده است قابل تحسین و تمجید بوده و نگارش سایر دوستان و شخصیت ها را در مورد عدیم که در هر زمانی انجام یافته و به رشته نگارش در آورده اند، نیز مورد تقدیر و تکریم قرار میدهیم، و از محترم عبد الکریم برزندگی نیز خواهش میشود تا با استفاده از یاری و کمک دوستان در این شرایط زمانی کامپیوتر و انترنیت استفاده نموده و در نشر اثر نگاشته شان اقدام عملی نمایند.

اما جان مطلب ؟ ؟

آنگونه که دوستان با خوانش و مرور " اشک حسرت"، در گذشته ها و همین اکنون از طریق سیمای شغنان و سایر مواد دست داشته آگاهی دارند، برگه اول و یا صفحه نخست این کتاب به گونه ای ترتیب و تنظیم گردیده است دارای بسا اشتباهات تایپی، املائی و انشایی است، و در مورد همه آنها فعلاً سخن نخواهیم راند و صرف به برگه اول آن اکتفا میکنیم که اینگونه ترتیب و تدوین گردیده است و قابل بازنگری جدی است زیرا کتاب یاد شده در اختیار همگان قرار میگیرد و باید مطابق شخصیت نگارنده اش ترتیب و تدوین گردد :

نام کتاب اشک حسرت

شاعر معروف سید زمان الدین عدیم . باید گفت که واژه معروف در این جا زاید بوده و نیازی به آن نیست از این سبب در آینده ها باید درست گردد.

نویسنده رضا علی شغنانی. اگر مرحوم رضا علی خان خود حیات می داشتند، همه ما را مورد تنقید قرار میدادند و میگفتند که ایشان نویسنده نی، بلکه " خوش نویس"، بوده اند، و دوم اینکه چون اثر طبع گردیده است دیگر به ذکر نام " خطاط"، و یا " خوش نویس"، شاید نیازی نباشد. و هم یاد داشت شان را در مورد " عدیم" تقریظ نام گذاشته اند که درست نیست.

قبول کننده (قبول کننده)، ثبت کتاب در کامپیوتر هیچ معنی و مفهوم دقیق و درستی را ارائه نمی دارد و باید مورد بازبینی مجدد قرار گیرد. اگر هدف از تایپ کننده و یا تایپست باشد، در آن صورت از دقت باید کار گرفت.

ثبت کتاب در کامپیوتر با عباره فوق هیچ تفاوتی ندارد، و باید هدف معین شود و نام دقیقتری بکار برده شود. مثلاً عبدالله، عزیزالله، بر اساس زبان اردو و یا هم انگلیسی گرفته شده و واژه به واژه (تحت الفظی) ترجمه شده است، که یکی هم نام شخص و دیگری نام پدر است، که به تصحیح و بازنگری نیاز دارد.

اشتراک کنترل به نظر من هیچ معنی ای را نمی رساند، و باید گفت که چه کسی برای کدام کنترولی اشتراک ورزیده است، باید مورد آرایش و پیرایش مجدد قرار گیرد.

محل ثبت کامپیوتر کامپیوتر ثبت شده است و یا کتاب؟ باید گفته می شد که محل ثبت کتاب در کامپیوتر، یا ثبت کامپیوتری کتاب.

مورخه ثبت ختم کتاب جلد اول و دوم..... درستش این می بود که : تاریخ ختم
ثبت کتاب ، جلد اول و دوم.....

بخاطر رفع اشتباه دوستان و علاقه مندان، اصل برگه طبع شده اشک حسرت را که
در سیمای شغنان تصویر برداری شده است، در این جا بخاطر بررسی و مقایسه
بعدی خدمت دوستان کاپی نموده و در اختیار میگذارم.

نام کتاب :.....اشک حسرت

شاعر معروف :.....سید زمان الدین عدیم شغنانی

نویسنده :.....رضا علی، رضا شغنانی

صفحه آرای، پیشگفتار و فشرده زندگی : دکتور خوش نظر پامیر زاد

گردآورنده و حروف چینی :.....سید محمد قاسم بدخشانی

فبول کننده ثبت کتاب در کمپیوتر:.....استاد بسم الله حسین زاده

ثبت کتاب در کمپیوتر:.....عبدالله عزیزالله حسین زاده

اشتراک کنترل :.....رحمت الله فقیری

محل ثبت کمپیوتر:.....صادق آباد، راولپندی، پاکستان

مورخه ثبت ختم کتاب جلد اول و دوم : ۱۳۸۰ هجری ش،

هجری ق، ۲۸ سپتمبر ۲۰۰۱ م

در فرجام !! سخنان پراکنده و شاید کسالت آفرین برای برخی ها را در این جا بخاطر فرا خوان همه آنهایی که تا کنون در راستای معرفی شخصیت عدیم، گام برداشته اند، و بخاطر تقویه و حمایت آنهایی که همین اکنون در سرزمین شغنان بدون هیچ چیز شعر می سرایند، سرود میگویند و کاروان عدیم را سبز نگهداشته اند، و بخاطر زنده نگهداری آنهایی که دیگر در میان ما نیستند اما کار کرد های شان حضور عینی و علمی دارند، بخاطر تثبیت " شخصیت های گوینده و جوینده"، بخاطر تثبیت مراهمین و مزاحمین میدان کار کرد ها بخاطر همکاری و همیاری به فرهنگ تاریخی مان، و بخاطر برون رفت از همه وسوسه های بیکاره و تخریش کننده ای که امروز دامن گیر ما هستند، بخاطر کار دوباره و متحدانه در راستای نشر، طبع، ارایش و پیرایش مجد بهتر و هر چه شایسته تر آثار " عدیم"، و همه آنهایی که با آفرینش های شعری و ادبی شان امروز افتخار محیط شغنان بوده و به کمک و پشتیبانی، اخلاقی، فرهنگی، مادی، معنوی و انسانی، ما نیاز دارند، اقدام عملی و مسلکی نمائیم، تا زمانی این سروده در مورد هر کدام ما، به تصدیق گرفته نشود.

سنگ قبرم را نمی سازد کسی

مانده ام در کوچه های بی کسی

بهترین دوستم مرا از یاد برد

سوختم خاکستم را باد برد.

شادکام باشید !!